

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

# مبانی نظارت بر ولی فقیه و مسؤولیت وی از منظر فقه سیاسی

استاد راهنما:

دکتر علیرضا رستمی

نگارنده:

سید امیر رضوی

تابستان ۱۳۹۳

تقدیم به:

مادر سادات

حضرت فاطمة الزهراء سألا علیها

## تشکر و قدردانی:

حمد و سپاس خداوند یکتا را که به ما هستی بخشید و هدایتمان کرد و ما را از متمسکین به ولایت امیر المؤمنین و یازده فرزند گرامشان (علیهم السلام) قرار داد.

بر خود لازم میدانم که از زحمات پدر و مادر عزیزم و همسر مهربانم و تمامی اساتید بزرگوارم، به ویژه حضرات مکرم گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه قم که در دو دوره‌ی کارشناسی و کارشناسی ارشد، علم و معرفت را نزدشان تلمذ نمودم، تقدیر و تشکر نمایم.

از حضور انور استاد معظم و بزرگوار، جناب آقای دکتر علیرضا رستمی که ضمن عنایات پدرانه، راهنمایی حقیر در نگارش این پایاننامه را تقبل نمودند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

همچنین از زحمات و الطاف پدر همسر و استاد عزیزم جناب آقای مجید غلامرضا، خالصانه متشکر و سپاسگزارم که اگر یاری ایشان نبود، نوشتن این پایاننامه به راحتی برایم میسر نمیشد.

## چکیده:

دین اسلام نسبت به نظارت بر کسانی که به عنوان حاکم و زمامدار حکومت اسلامی محسوب میشوند، تأکید فراوانی دارد. این تحقیق در پی چستی، چرایی و چگونگی نظارت بر ولیّ فقیه و مسؤولیت وی میباشد. در دین مبین اسلام ادله‌های وجود دارد که میتوان امر نظارت بر ولیّ فقیه را از آن استنباط نمود. این ادله عبارتند از: عدم عصمت، وجوب امر به معروف و نهی از منکر، قاعدهی النصیحة لائمة المسلمین، لزوم مشورت، امانت بودن ولایت و مسؤولیت، جمهوریت حکومت و لزوم صیانت از حکومت اسلامی. نظارت بر ولیّ فقیه به دو نوع نظارت درونی و بیرونی تقسیم و مراجع ناظر بر وی شامل نظارت الهی، نظارت همگانی و نظارت نهادینه میشود که در جمهوری اسلامی ایران، مجلس خبرگان رهبری متصدی اصلی نظارت میباشد. همچنین نظارت بر ولیّ فقیه در زمینهای شرایط و عملکرد ولیّ فقیه محقق میشود که لازمی آن، دانستن شرایط و ویژگیهای ولیّ فقیه و همچنین وظایف و مسؤولیتهای او از منظر فقه اسلامی و قانون اساسی میباشد. این پایاننامه که به صورت توصیفی و به شیوهی کتابخانهای میباشد، به شرح و بررسی تمامی موارد فوق پرداخته است.

**کلید واژه‌ها:** نظارت، ولایت، ولیّ فقیه، مسؤولیت سیاسی ولیّ فقیه، فقه سیاسی.

## مقدمه:

رهبری و هدایت جامعه در طول تاریخ حیات انسانی، همواره یک امر مهم سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و تربیتی بوده است؛ زیرا رهبران سهمی تعیین کننده در رشد یا انحطاط جوامع و ملت‌ها داشته و دارند. اهمیت رهبری در جامعه از آن جهت است که زندگی اجتماعی و ویژگی‌هایش ایجاب می‌کند که فرد یا افرادی برای سامان دادن به امور مشترک میان انسانها در جامعه، به رهبری و هدایت آنان همت گمارند و برای جلوگیری از هرج و مرج و بی‌نظمی، برنامه‌ریزی کنند و آن را به اجرا درآورند.

اسلام که به عنوان دین کامل و جامع برای تمام نسلها و در همهی زمانها و مکانها از طریق وحی بر آدمی عرضه شده است، به رهبری و هدایت جامعه توجهی ویژه دارد. وجود پیامبران الهی و ائمه‌ی اطهار (ع)، خود نشان دهنده‌ی اهمیت رهبری و هدایت جامعه به سوی کمال است.

در باور شیعه، پس از پیامبر (ص)، امامان معصوم (ع) از سوی خداوند مسؤولیت رهبری سیاسی جامعه‌ی اسلامی را بر عهده داشته‌اند و یکی پس از دیگری، رهبری و هدایت معنوی و دینی جامعه را نیز عهده‌دار میشدند. اساساً در دین اسلام، رهبری معنوی و زمامداری سیاسی جدایی ناپذیرند.

هر چند در زمان غیبت دوازدهمین امام معصوم (عج) شخص معینی برای ریاست حکومت تعیین نشده است، ولی با توجه به آیات قرآن و روایات معصومین (ع) درباره‌ی ملاکهای حاکم و زمامدار سیاسی، مشخص می‌شود که رهبری جامعه بر عهده‌ی فقیهان و کارشناسان دینی است؛ چراکه از آنان به عنوان جانشینان پیامبر (ص)، امینان رسولان، دژهای اسلام، حاکمان مردم و وارثان پیامبران یاد شده است. این روایات بر حاکمیت الهی فقیه و لزوم گردن نهادن مردم به اینگونه ولایت و رهبری تصریح دارند.

قانون اساسی ایران که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ ه.ش. تدوین شد و به تصویب خبرگان رسید و اکثریت مردم هم به آن رأی دادند، از اجتهاد فقیهان جامع شرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین (ع) به عنوان یکی از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران یاد کرده و ولایت امر و امامت امت در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) را بر عهده‌ی فقیه عادل، با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبّر گذاشته است. بر همین اساس در نظام جمهوری اسلامی ایران، ولایت فقیه با اختیارات و ویژگی‌های خود در رأس هرم قدرت جای دارد.

## ۱. بیان مسأله

نظارت بر قدرت از مباحثی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است و در حیطة مباحث فقهی دارای اهمیتی ویژه است و امروزه به عنوان ابزاری کارآمد و مهم در کنترل قدرت و جلوگیری از سوء استفاده از آن و وسیله ای برای هدایت و راهنمایی رهبران جامعه به سمت اهداف و آرمانهای انقلاب اسلامی میباشد. نظارت پذیری و پاسخگویی حاکمان است که موجب افزایش پویایی و تضمین کنندهی سلامت و ایمنی در برابر مفاسد قدرت و نیز استحکام حاکمیت میباشد.

مسألهی مهم در این مورد آن است که آیا این نظارت در دین اسلام دارای مبنا میباشد و آن مبانی کدام است؟

این پایاننامه با تبیین فقه سیاسی، مبانی نظارت بر ولیّ فقیه و چگونگی این نظارت که بر عهدهی عموم مردم و خبرگان ملت نهاده شده و همچنین ضرورت و اهمیت آن را ارائه نموده است.

## ۲. ضرورت تحقیق

ضرورت نظارت بر همهی مراتب سلسلهی قدرت، بر اساس مبانی دینی و موازین حقوقی ثابت است و در نظام سیاسی اسلام با تأکید بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. مجلس خبرگان به عنوان اصلیترین نهاد نظارتی بر رهبر، نظارت مؤثر بر عملکرد رهبر را به صورت جدی بر عهده دارد. از آنجا که نظارت بر رهبری عالیترین سطح نظارت در نظام جمهوری اسلامی ایران است، پیش از بحث از چگونگی نظارت، بررسی مبانی فقهی این نظارت ضرورت خواهد داشت.

نظارت بر ولیّ فقیه، یکی از دغدغههای مهم حقوق اساسی است. با عنایت به لزوم دارا بودن شرایط خاص و گسترهی وظایف و اختیارات ولیّ فقیه که عالیتین مقام رسمی است و در جایگاه ولایت و امامت امت تکیه زده است، این موضوع حساسیتی فوقالعاده مییابد. با درک این مطلب که رویکردهای افراطی و تفریطی در مرحلهی نظارت بر او میتواند پیامدهای جبران ناپذیری داشته باشد، باید این مسأله مورد کاوش قرار گیرد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول خود بر حاکمیت دینی و ولایت فقیه تأکید کرده است. با توجه به اهمیت نهاد رهبری، یکی از بایستههای پژوهشی در حقوق اسلامی ایران در موضوع رهبری، نظارت بر اوست که از اهمّ وظایف مجلس خبرگان میباشد.

### ۳. اهداف تحقیق

- در مجموع میتوان اهداف تحقیق را در موارد زیر خلاصه کرد:
- تبیین مبانی و اصول اسلام در نظارت بر ولیّ فقیه و مسؤولیتهای او.
  - تشریح زمینهای نظارتی بر ولیّ فقیه.
  - تبیین مراجع، عوامل و روشهای اعمال نظارت نظام و مردم بر ولیّ فقیه.
  - تشریح حدود و قلمرو اعمال نظارت توسط مجلس خبرگان رهبری.
  - ارائهی زمینهای نظارتی اعمال شده بر ولیّ فقیه، متناسب با وظایف مجلس خبرگان رهبری.

### ۴. سوالات تحقیق

- سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از:
- مبانی فقهی نظارت بر ولیّ فقیه و مسؤولیتهای وی در اسلام چیست؟
- برخی از سوالات فرعی پژوهش عبارتند از:
- زمینهای نظارت بر ولیّ فقیه شامل چه مواردی میشود؟
  - حدود و قلمرو نظارت بر ولیّ فقیه تا چه میزان است؟
  - فقه اسلامی چه شرایط و ویژگیهایی را برای ولیّ فقیه در نظر گرفته است؟
  - ولیّ فقیه چه وظایف و مسؤولیتهایی را بر عهده دارد؟
  - عوامل و مراجع ناظر بر ولیّ فقیه کدامند و روشهای اعمال نظارتی آنان چگونه است؟

### ۵. فرضیهی تحقیق

ولیّ فقیه مسؤولیتهای گستردهای دارد. از جمله : اجرای احکام و قوانین اسلام، ایجاد عدالت، نظارت بر عموم مردم (اعم از کارگزاران و آحاد جامعه)، مسؤولیت تربیت و رشد اخلاقی مردم. بالطبع عموم مردم و افرادی که خواص و خبرگان جامعه هستند، باید بر حسن اجرای این مسؤولیتهای نظارت داشته باشند. به دلایلی از جمله دلایل عقلی و نقلی مانند سیرهی پیامبر اکرم (ص) و ائمهی اطهار (ع) و روایات منقول از حضرات معصومین (ع). این ادله عبارتند از: عدم عصمت، وجوب امر به معروف و نهی از منکر، قاعدهی النصیحة لائمة المسلمین، لزوم مشورت، امانت بودن ولایت و مسؤولیت، جمهوریت حکومت و لزوم صیانت از حکومت اسلامی.



## ۶. سابقه و پیشینه تحقیق

با بررسیهای انجام شده به این نتیجه رسیدیم که به دلیل اینکه در عصر غیبت و تا قبل از انقلاب اسلامی، حکومتی با حاکمیت و ولایت فقیه تشکیل نشد، علمای متقدمین به این موضوع، به طور مستقل و مفصل نپرداختند. در آثار متأخرین نیز تنها در برخی از متون و مقالات، در ذیل اصول قانون اساسی به نحو موجز و مختصر، مطالبی عنوان گردیده است.

در مجموع، از جمله مهمترین کتابها و مقالاتی که به این موضوع اشاره داشتهاند، میتوان اشاره کرد به کتاب «فقه سیاسی» نوشته مرحوم عمید زنجانی، کتاب «فقه سیاسی» نوشته سید سجاد ایزدهی، کتاب «نظارت در نظام اسلامی» نوشته بهرام اخوان کاظمی، کتاب «نظارت و نهادهای نظارتی» نوشته محسن ملک افضلی، مقالهی «خبرگان و نظارت» نوشته محمد سروش محلاتی.

به نظر میرسد کاملترین کتابی که به این موضوع پرداخته است، کتاب «گزینش رهبر و نظارت بر او در نظام جمهوری اسلامی ایران» نوشته حسین جوان آراسته میباشد.

## ۷. روش تحقیق

این تحقیق به صورت توصیفی از منابع فقهی و حقوقی صورت گرفته است که به شیوهی تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانهای میباشد.

# فصل اوّل

## مفاهیم و کلیات

## طرح بحث

شناخت ماهیت و مفهوم هر موضوع و انجام تحقیق علمی حول محور آن، در وهله‌ی نخست مستلزم ارائه‌ی تعریفی جامع و مانع از آن موضوع می‌باشد. آنچه ما را به این هدف می‌رساند، شناخت تعریف لغوی و اصطلاحی موضوع و ایجاد یک پل ارتباطی ما بین آن دو است و لذا جهت شناخت دقیق مبانی نظارت بر ولیّ فقیه و مسؤولیتهای وی، لازم است واژگان مرتبط با این موضوع به طور دقیق تعریف گردد. در این فصل ضمن توجه به این مهم، مطالب مرتبط دیگری نیز مطرح شده تا بدین سان ضمن مشخص نمودن محدوده‌ی تحقیق و جلوگیری از ورود مطالب خارج از موضوع، سیمای کلی بحث ترسیم گردد.

## ۱-۱. تعریف فقه

واژه‌ی «فقه» در لغت به معنای فهم، آگاهی و دانایی است؛ خواه مربوط به دین باشد و یا مربوط به چیز دیگر<sup>□</sup>. به عبارت دیگر منظور از فقه رسیدن به علم غایب و مجهول از علم شاهد و معلوم میباشد<sup>□</sup>.

در کتاب لسان العرب معنای فقه فراتر از مطلق دانستن بیان شده و منظور از آن علم و دانستنی است که همراه با دقت نظر و استنباط باشد<sup>□</sup>.

فقه در اصطلاح به معنای علم و آگاهی دقیق نسبت به علوم دین و احکام الهی و توان استنباط آنها از طریق ادلّه‌ی تفصیلی است. فقه یکی از شاخه‌های علوم دینی میباشد و عبارت است از: «علم به احکام شرعی از طریق استنباط و اجتهاد»<sup>□</sup>.

## ۱-۲. تعریف فقیه

«فقیه» در لغت به معنای دانا است و به دانای هر چیز به طور مطلق، فقیه گفته میشود<sup>□</sup>. اما در اصطلاح فقهی، فقیه کسی است که در علوم اسلامی تخصص دارد و احکام الهی را از ادلّه‌ی آن استنباط می‌کند.

مقصود از فقیه در بحث ولایت فقیه، مجتهد جامع شرایط است، نه هر کس که فقه خوانده باشد. یعنی فرد اسلام شناسی است که دارای رتبه‌ی اجتهاد بوده و علاوه بر شرایط لازم برای افتاء و قضاوت، مثل: بلوغ، عقل، عدالت، حریت، مرد بودن، حلال‌زادگی، زنده بودن و شیعه بودن<sup>□</sup>، باید تدبیر، تدبّر و شجاعت لازم برای ادارهی حکومت را نیز داشته باشد<sup>□</sup>.

- 
- . هارون عبدالسلام ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، بی‌چاپ، (قم: مکتب الاعلام الاسلامی، بی‌تا)؛ خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، چاپ دوم، (قم: منشورات الهجره، ۱۴۱۰ ه.ق)، در هر دو ذیل «فقه».
  - . حسین بن محمد راعب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، (بیروت: دار العلم، ۱۴۱۲ ه.ق)؛ فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، چاپ سوم، (تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ ه.ق)، در هر دو ذیل «فقه».
  - . ابن منظور جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، (بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ه.ق)، ذیل «فقه».
  - . سید علی حسینی خامنه‌ای، رسالهی اجوبه الاستفتانات، چاپ پنجاه و نهم، (تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۹ ه.ش)، ۱۴.
  - . لسان العرب، ذیل «فقه».
  - . سید محسن حکیم، مستمسک العروة الوثقی، چاپ اول، (قم: مؤسسه‌ی دار التفسیر، ۱۴۱۶ ه.ق)، ۱، ۴۰.
  - . مهدی هادوی، ولایت فقیه، چاپ اول، (تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۷۷ ه.ش)، ۱۲۷-۱۲۸.

## ۱-۳. تعریف ولایت

«ولایت» واژه‌ای عربی است که ریشه‌ی آن «ولیّ» میباشد. اصل این ماده بر قرب و نزدیکی دلالت می‌کند؛ در اصطلاح «ولاء و توالی آن است که دو یا چند چیز به گونه‌های باشند که غیر آنها میان آنها فاصله نشود. این معنا برای قرب مکانی است ولی در قرب معنوی نیز به لحاظ نسبت خانوادگی یا دین یا یاری و یا اعتقاد، استعاره آورده می‌شود. واژه‌ی «ولایت» به معنای نصرت و واژه‌ی «ولایت» به معنای بدست گرفتن امر است و هر دو واژه یک معنا دارد و حقیقت آن همان تولی امر و بدست گرفتن کار است»<sup>۱</sup>.

به عبارت دیگر ولایت، نوعی قرب و نزدیکی نسبت به چیزی است؛ به گونه‌های که موانع و حجابها از میان برداشته می‌شود.<sup>۲</sup>

واژه‌ی ولایت در آغاز برای قرب و نزدیکی خاص در محسوسات به کار رفته است؛ سپس برای قرب معنوی استعاره آورده شده است. بر این اساس هرگاه این واژه در امور معنوی به کار رود، بر نوعی از نسبت قرابت دلالت می‌کند و لازمی آن این است که ولیّ نسبت به آنچه بر آن ولایت دارد، دارای حقی است که دیگری ندارد و می‌تواند تصرفاتی بنماید که دیگری جز به اذن او نمی‌تواند؛ مثلاً ولیّ میت می‌تواند در اموال او تصرف کند. این ولایت او ناشی از حق وراثت است. خداوند ولیّ امر بندگان خویش است؛ یعنی امور دنیوی و اخروی آن‌ها را تدبیر می‌کند و او ولیّ مؤمنان است. بنابراین، معنای ولایت، گونه‌های از قرابت است که منشأ نوعی تصرف و مالک بودن تدبیر است.<sup>۳</sup> مقصود از ولایت در بحث ولایت فقیه، همان مفهومی است که در عرف رایج به کار میرود و هم ردیف واژه‌هایی مانند: امارت، حکومت، زعامت و ریاست میباشد. ولایت در این مفهوم، دربارهی کسی گفته میشود که بر خطّهای حکمرانی کند.

## ۱-۳-۱. اقسام ولایت

با توجه به آنچه که بیان شد، ولایت به معنای مذکور به «تکوینی» و «تشریعی» تقسیم می‌شود که برای روشن شدن مقصود اصلی، به بیان هر یک از آن دو می‌پردازیم.

۱. المفردات فی غریب القرآن، ذیل «ولیّ».

۲. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین، ۱۴۱۷ هـ ق، ۵، ۳۶۸.

۳. رک: همان، ۶، ۱۲.

### ۱-۳-۱. ولایت تکوینی

ولایت تکوینی به معنای تصرف در موجودات و امور تکوینی است. چنین ولایتی از آن خداست. اصل پیدایش، تغییرات و بقای همه موجودات به دست اوست و همه تحت اراده و قدرتش قرار دارند. خداوند متعال مرتبه‌ای از این ولایت را به برخی از بندگانش اعطا می‌کند. معجزات و کرامات انبیا و اولیا، از آثار همین ولایت تکوینی است. آنچه در ولایت فقیه مطرح می‌شود، ولایت تکوینی نیست.

### ۱-۳-۲. ولایت تشریحی

ولایت تشریحی خود بر دو قسم است:

الف) قانون‌گذاری: بر اساس توحید ربوبی، هرگونه قانونی که انتساب به خداوند نداشته باشد، به شرک در تشریح منتهی می‌شود. خداوند در قرآن کریم بیان می‌دارد: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»<sup>۶۷</sup>. بر این اساس فقط کسی مجاز به جعل قانون است که از طرف خداوند، مأذون باشد. مانند پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع). در قرآن کریم آمده است: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ»<sup>۶۸</sup>. یعنی: «و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید! آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست! آن کس که قدرت عظیمی دارد او را تعلیم داده است»<sup>۶۹</sup>. امام صادق (ع) نیز فرموده است: «فَمَا فَوَّضَ اللَّهُ إِلَىٰ رَسُولِهِ فَقَدْ فَوَّضَهُ إِلَيْنَا»<sup>۷۰</sup>.

در شأن ائمه هدی (ع) باید گفت «اینان حامل ودایع نبوت بودند و طبق تعلیم و تربیت پیامبر اکرم (ص) و تأیید روح القدس، بینش واقعی لازم را دارا بودند و بر ملاکات اصلی احکام، نسبت به پیشامدها کاملاً واقف بودند و بر حسب رخدادهای زمانه و مصالح مقتضی، تشریح احکام می‌نمودند»<sup>۷۱</sup>. در زمان غیبت نیز فقیه جامع الشرایطی که به کتاب و سنت آشنایی دارد و نسبت به اوضاع و احوال زمانه آگاه و از تقوا نیز برخوردار است، از سوی معصومین (ع) مأذون است تا به وضع قوانین متغیر در چارچوب احکام و مصالح جامعه اسلامی بپردازد. جعل چنین ولایتی برای فقیه جامع الشرایط، نه تنها منافاتی با ولایت تشریحی ندارد، بلکه شأنی از شؤون ربوبیت الهی و در طول آن است.<sup>۷۲</sup>

۶۷. یوسف: ۶۷.

۶۸. نجم: ۳-۵.

۶۹. ناصر مکارم شیرازی، ترجمه قرآن، چاپ اول، (قم: سپهر نوین، ۱۳۸۶ ه. ش).

۷۰. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی (علامه مجلسی)، بحار الانوار، بیجا، (بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ه. ق)، ۱۷، ۷.

۷۱. محمد هادی معرفت، ولایت فقیه، بی جا، (قم: موسسه فرهنگی التمهید، بی تا)، ۱۶۲.

۷۲. رک: محمد تقی مصباح یزدی، حقوق و سیاست در قرآن، چاپ چهارم، (قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱ ه. ش)، ۱۶۲.

ب) زعامت و رهبری: از دیدگاه اسلامی، انسان یکتاپرست نباید از هیچ فرد یا نهادی فرمان برد و کسی را ولیّ، سرپرست و ارباب خود قرار دهد و بی‌چون و چرا مطیع او گردد. همانگونه که در قرآن کریم آمده است: «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَ زُهَبَانَهُمْ أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَ مَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهاً وَاحِداً»<sup>۱</sup>. یعنی: «آنها دانشمندان و راهبان خویش را معبودهایی در برابر خدا قرار دادند، و همچنین مسیح فرزند مریم را؛ در حالی که دستور داشتند فقط خداوند یکتایی را که هیچ معبودی جز او نیست، بپرستند»<sup>۲</sup>.

مگر آنکه خداوند برای کسی چنین حقی را جعل و تشریح کرده باشد. در قرآن کریم بیان شده است: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»<sup>۳</sup>. یعنی: پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است. همچنین در جایی دیگر از قرآن کریم آمده است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»<sup>۴</sup>. یعنی: سرپرست و ولیّ شما تنها خدا و پیامبرش است و نیز کسانی که ایمان آوردند؛ آنها که نماز را برپا میدارند و در حالت رکوع، زکات میدهند .

بر اساس این آیات، خداوند ولایت تدبیری و حق اداره و تنظیم اجتماعی را برای پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) تشریح کرده است و تنها آنان هستند که می‌توانند حاکمیت سیاسی و زمامداری جامعه را در دست گرفته و در رأس هرم قدرت باشند.

بر اساس دلایل گوناگون که بیان خواهد شد، چنین ولایتی از طرف ائمه‌ی اطهار (ع) به فقیهان واجد شرایط، واگذار شده است و آنان به نیابت از معصومین (ع) علاوه بر حق قانون‌گذاری، دارای ولایت و رهبری جامعه بوده و موظف به تدبیر، سرپرستی و تنظیم اجتماعی جامعه اسلامی هستند<sup>۵</sup>.

## ۱-۴. ولایت فقیه

ولایت فقیه اصطلاحی برای نظام حکومت اسلامی پس از ائمه‌ی طاهرین (ع) است. «حکومت، زعامت و تصدی ادارهی امور اجتماعی - سیاسی مسلمانان به دست عالم دینی و یا حکمرانی فقیهان

۱. توبه: ۳۱.

۲. مکارم شیرازی، ترجمهی قرآن.

۳. احزاب: ۶.

۴. مائده: ۵۵.

۵. محمد جواد نوروزی، نظام سیاسی اسلام، چاپ پنجم، (قم: موسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲ ه.ش)، ۱۸۷.

عادل بر مبنای مصلحت قاطبهی مسلمانان و در راستای اجرای مقررات اسلامی را ولایت فقیه می‌گویند»<sup>۱</sup>. به عبارت دیگر، ولایت فقیه عبارت است از حاکمیت فقیه جامع الشرایط بر جامعه اسلامی و سرپرستی کلیه شئون زندگی اجتماعی توسط ایشان.

موضوع اصلی ولایت فقیه این است که در زمان غیبت امام معصوم (ع) چه باید کرد؟ آیا امت اسلامی باید بدون رهبر باشد؟ یا باید به رهبری طاغوت تن دهد؟ یا باید بهترین شخص از نظر علم و تقوا و مدیریت سیاسی که کمترین فاصله را با معصوم (ع) دارد، به رهبری امت اسلامی بپردازد؟ در عصر غیبت کبری که مردم از نعمت حضور امام معصوم (ع) در جامعهی انسانی و راهبری او در عرصه‌های گوناگون همانند حکومت و قضاوت محروم‌اند، فقیه عادل دارای شرایط فتوا بر آنان ولایت دارد. ولایت فقیه در حقیقت، نیابت عام از امام معصوم (ع) است و به معنای سرپرستی امور شیعیان در عصر غیبت کبری می‌باشد.

حضرت امام خمینی (ره) در این باره مینویسند: «فقیه عادل، همهی آنچه را که پیامبر (ص) و ائمه‌ی اطهار (ع) راجع به حکومت و سیاست داشته‌اند را دارا است و تفاوت، نامعقول است. زیرا والی، هر شخصی که باشد، عهده‌دار اجرای احکام شریعت و اقامه‌ی حدود الهی و اخذ خراج و سایر مالیات و تصرف در آن بر اساس مصلحت مسلمانان است»<sup>۲</sup>.

به خوبی روشن است که مقصود از ولایت، همان مسؤولیت اجرایی احکام انتظامی است که دربارهی امامت نیز همین معنی منظور است و اصلاً مسأله‌های به نام قیومیت و محجوریت در کار نیست و هر کس چنین توهمی کند، پنداری بیش نمی‌باشد.

این گفتار امام راحل (ره) همان چیزی است که فقهای بزرگ شیعه، قرن‌ها پیش گفته‌اند و مطلب تازه و نو‌پیدایی نیست. از همان موقع که فقه شیعه تدوین یافت، مسأله‌ی ولایت فقیه مطرح گردید و مسؤولیت اجرایی احکام انتظامی اسلامی را بر عهده‌ی فقهای جامع الشرایط دانستند.

نظریه‌ی ولایت فقیه، هر چند مبتنی بر مبانی و آموزه‌های دینی بوده و دارای پیشینه‌ی تاریخی طولانی تا عصر امامان معصوم (ع) می‌باشد، ولی شکلگیری نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر نظریه‌ی ولایت فقیه که به عنوان تنها شکل مشروع حکومت در زمان غیبت از سوی امامان معصوم (ع) معرفی

۱. عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، بیجا، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳ ه.ش)، ۲، ۳۲۶.

۲. سید روح الله موسوی خمینی (امام خمینی)، کتاب البیع، (قم: مؤسسه‌ی مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا)، ۲، ۴۶۷.



شده است، در ابتدا و برخورد ملموس و عینی این نظریه با واقعیات جامعه در عرصه مدیریت، باعث تکامل و تبیین هر چه بیشتر اختیارات ولیّ فقیه، در قالب نظریه «ولایت مطلقه فقیه» شد.

## ۱-۵. نظریه ولایت مطلقه فقیه

مقصود از «اطلاق» در این مبحث، گسترش دامنه ولایت فقیه و شمول مسؤلیت است که برای تأمین مصالح و تضمین عدالت، همهی ابعاد مصالح مردمی را فرا می‌گیرد. فقهای پیشین به جای واژه «مطلقه» از «عامه» استفاده می‌کردند؛ زیرا در برابر این شمول و مطلق بودن ولایت، ولایت‌های دیگری نیز وجود دارد که جهات خاصی از آن‌ها مورد نظر است. مانند ولایت پدر در امر ازدواج دختر یا ولایت پدر و جد در تصرفات مالی فرزندان نابالغ. بنابراین، منظور از اطلاق، گسترش دامنه ولایت فقیه و مسؤلیت اجرایی ولیّ فقیه در همهی احکام اسلامی و همهی ابعاد مصالح عمومی مردم است و مانند دیگر ولایت‌ها، یک بعدی نخواهد بود. از این‌رو، مطلقه در برابر مقیده‌ای آمده است که اختیارات ولیّ فقیه را به موارد خاصی همچون امور حسبه محدود می‌کردند.

اصل این مطلب که فقیه جامع الشرایط فی‌الجمله دارای حق تصرف در برخی از امور اجتماعی است، مورد پذیرش همهی فقها قرار دارد<sup>□</sup>، ولی این که دایره نفوذ حکم او تا کجاست و این که این حق از باب ولایت است یا صرفاً نوعی اجازه است، محل گفت‌وگوی فقیهان شیعی قرار گرفته است. مواردی مثل قضاوت که به وضوح در دایره اختیارات فقیه قرار دارد، خارج از این بحث قرار می‌گیرند و هیچ فقیهی مخالف آن نیست.

حضرت امام خمینی (ره) درباره ولایت مطلقه فقیه، معتقد بودند هر اختیاری که پیامبر اسلام (ص) دارد، برای فقیه هم ثابت است و عقلاً نمیتوان میان این دو، تفاوتی قائل شد. همچنین ایشان به صراحت از اختیار ولیّ فقیه برای تعطیل موقت برخی احکام سخن می‌راند و حکومت اسلامی را مقدم بر همهی احکام اولیه می‌دانست.<sup>□</sup> از سوی دیگر ایشان هیچ‌گاه ولایت را به قانون عرفی مقید نمی‌دانست و در بسیاری از موارد، فراتر از قانون اساسی و قوانین عادی عمل میکرد؛ مواردی مثل تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، تأسیس بنیادهای شهید و جانبازان، دادگاه

□. رک: احمد آذری قمی، ولایت فقیه از دیدگاه فقهای اسلام؛ (قم: دارالعلم، ۱۳۷۲ ه.ش)، ۳، ۲۲۱.

□. رک: امام خمینی، ولایت فقیه، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴ ه.ش)، ۱۸-۲۰.

ویژه‌ی روحانیت و... که هیچ یک در قانون اساسی وقت، جزو اختیارات یا وظایف رهبری شمرده نشده بود.<sup>۱</sup>

## ۱-۶. نظارت

### ۱-۶-۱. تعریف لغوی نظارت

نظارت در لغت به معنای نگاه کردن است و گاهی منظور از آن دقت، تدبیر و تأمل و گاهی دیگر منظور معرفت حاصله بعد از فحص و تأمل میباشد.<sup>۲</sup>

در زبان عربی واژگان «نظر» و «نظارت» یعنی بازرسی، رسیدگی، مطالعه‌ی دقیق، تفتیش، بررسی، کنترل و مراقبت.<sup>۳</sup> همچنین «النظر» به تأمل کردن در چیزی، اندازه‌ی چیزی را در نظر داشتن و قیاس کردن و «الناظر» به حافظ و نگهبان معنا شده است.<sup>۴</sup>

فرهنگنامه‌های فارسی، واژه‌ی «نظارت» را اینگونه معنا کردند: «نظر کردن و نگرستن به چیزی، مراقبت و در تحت نظر و دیدهبانی داشتن کاری، نگرانی، دیدهبانی به سوی چیزی، مباشرت، حراست».<sup>۵</sup> همچنین «نظارت» به معنای «عمل ناظر و مقام او و مراقبت در اجرای امور» آمده است.<sup>۶</sup>

### ۱-۶-۲. تعریف اصطلاحی نظارت

درباره‌ی اصطلاح نظارت تعریف‌های مختلفی در حقوق، مدیریت و ... ارائه شده است.

«نظارت به مجموعه عملیاتی گفته میشود که طی آن میزان تطابق عملکرد اشخاص با قوانین و مقررات، سنجیده میشود تا از مطابقت نتایج عملکرد با هدفهای مطلوب، اطمینان حاصل شود»<sup>۷</sup>.

۱. رک: مهدی رنجبریان، ولایت مطلقه، قانون اساسی و امام خمینی، بی‌چاپ، (قم: مؤسسه فرهنگی ظفر، ۱۳۸۱ ه.ش)، ۴۸.

۲. المفردات فی غریب القرآن، ذیل «نظر».

۳. آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، چاپ اول، (تهران: نشر نی، ۱۳۷۹ ه.ش)، ۶۹۷، ذیل «نظر».

۴. لسان العرب، ذیل «نظر».

۵. علی اکبر دهخدا، لغتنامه‌ی دهخدا، بی‌چاپ، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ه.ش)، ذیل «نظارت».

۶. محمد معین، فرهنگ فارسی، چاپ یازدهم، (تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۷ ه.ش)، ذیل «نظارت».

۷. محسن ملک‌افضلی اردکانی، نظارت و نهادهای نظارتی، چاپ اول، (تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، ۱۳۸۲ ه.ش)، ۲۲.

همچنین «نظارت به مشاهده و بررسی مستمر، به منظور کنترل و هدایت فعالیت اعضا و سازمانها و یگانهای تابعه در اجرای صحیح خط مشیها، طرحها و برنامههای ابلاغی اطلاق میگردد»<sup>۱۱</sup>.

بنابراین «وظیفهی نظارت، بررسی و ممیزی و ارزشیابی کارهای انجام شده یا در حین انجام و انطباق آنها با تصمیمات اتخاذ شده و همچنین با قانون و مقررات در جهت جلوگیری از انحرافات اجرایی است»<sup>۱۲</sup>. . . فرهنگ فارسی،

### ۱-۶-۳. انواع نظارت

نظارت انواع متفاوتی دارد؛ اما با توجه به حدود اختیارات ناظر و جایگاه آن، دو نوع نظارت وجود دارد: «نظارت اطلاعی یا استطلاعی» و «نظارت تصویبی یا استصوابی».

#### ۱-۶-۳-۱. نظارت استطلاعی

منظور از نظارت استطلاعی یا اطلاعی، آن است که ناظر تنها حق دارد از فعل مجری اطلاع یابد و نظارت نماید؛ اما حق دخالت در کار و عملکرد او را ندارد و وظیفهی او تنها اعلام و گزارش عملکردهاست<sup>۱۳</sup>.

به عبارت دیگر میتوان گفت: «نظارت استطلاعی، یعنی کسب اطلاع و آگاهی ناظر از صلاحیت مصوبات یا عملکرد اشخاص، بدون نیاز به تأیید و تصویب و اطلاع گزارش ناظر به مرجع ذیصلاح مافوق»<sup>۱۴</sup>.

در نظارت استطلاعی، ناظر حق صدور حکم و دستور ندارد که در این صورت، حکم و دستور او مطاع و لازم الاجراء نیست و اعمال حقوقی بدون اذن و موافقت او نیز اعتبار دارد و ضمانت اجرایی برای اعمال مستقیم نظر او وجود ندارد.

نظارت استطلاعی در موارد مختلفی از قانون اساسی و قوانین عادی آمده است. به عنوان مثال، نظارت «سازمان بازرسی کل کشور» نظارت استطلاعی است؛ زیرا این سازمان، نتایج بازرسیهای خود را به مراکز مربوط، مانند مراجع قضایی و دیوان عدالت اداری میفرستد. در اصل یکصد و هفتاد و چهارم قانون اساسی آمده است: «بر اساس حق نظارت قوهی قضائیه نسبت به حسن جریان امور و

۱۱. علی اصغر محسن شیخی، نظارت و بازرسی، بی جا، (قم: زمزم هدایت، ۱۳۹۰ ه.ش)، ۲۴.

۱۲. سید ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ دوازدهم، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳ ه.ش)، ۳۱۵.

۱۳. عباس نیکزاد، پاسخ به شبهات نظارت استصوابی، بی جا، (قم: دفتر نظارت و بازرسی انتخابات استان قم، بی تا)، ۸.

۱۴. سید احمد مرتضایی، نظارت استصوابی یا استطلاعی، چاپ اول، (قم: مؤسسهی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰ ه.ش)، ۴۷.

اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری، سازمانی به نام سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل میگردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین میکند». همچنین بازرسان وزارت آموزش و پرورش که وظیفه و حق تحقیق و تفحص در امور مدارس را دارند، نظارتشان استطلاعی است. آنان بعد از آنکه نظارت خویش را اعمال کردند، گزارشی تهیه نموده و آن را به مقامات ذیصلاح، ارائه میکنند.

### ۱-۶-۳-۲. نظارت استصوابی

استصواب در لغت به معنای صوابدید است و مقصود از نظارت استصوابی، این است که ناظر علاوه بر کسب اطلاع، صواب دید هم مینماید؛ یعنی میتواند حکم و دستور هم صادر نماید و حکم او نیز مطاع و نافذ است. به عبارت دیگر منظور از نظارت استصوابی این است که اعمال حقوقی زیر نظر مستقیم و با تصویب و صلاحدید ناظر انجام میشود.<sup>□</sup> این اصطلاح، یکی از اصطلاحات فقهی است که در کتب فقهی امامیه، بیشتر در ابواب وقف و وصیت مطرح است. به عنوان مثال، در کتاب تحریر الوسیله آمده است: «واقف میتواند بر کار متولی وقف، ناظر تعیین کند. اگر معلوم شد که مقصود واقف از نظارت این است که ناظر برای حصول اطمینان بر کار متولی اطلاع پیدا کند، متولی در تصرفات خود مستقل است و به اذن ناظر در صحت و نفوذ تصرفاتش نیاز نیست و صرفاً اطلاع او لازم است؛ و اگر روشن شود که اعمال نظر و تصویب ناظر مقصود واقف است، متولی نمیتواند بدون اذن و تصویب ناظر تصرفی انجام دهد و اگر معلوم نشد که مراد واقف از جعل ناظر چیست، لازم است که هر دو امر (اطلاع و اذن و تصویب ناظر) رعایت شود».<sup>□</sup>

از قسمت دوم فرمایش حضرت امام (ره) نظارت استصوابی استفاده میشود که تقریباً نظر و فتوای مرحوم آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی نیز همین است.<sup>□</sup> بنابراین، نظارت استصوابی نظارتی است که اذن ناظر و در حقیقت موافقت او، در صحت عمل نماینده یا متولی شرط است.<sup>□</sup> به عبارت دیگر، نظارت استصوابی در جایی است که مجری نباید

□. سید محمد هاشمی، نظارت شورای نگهبان نظارت انضباطی، بی جا، (تهران: نشر افکار، ۱۳۷۸ ه.ش)، ۳۸.

□. امام خمینی، تحریر الوسیله، بیجا، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹ ه.ش)، ۲، ۸۱.

□. رک: سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، چاپ دوم، (بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات)، ۳، ۵۴.

□. محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، بیجا، (تهران: بنیاد راستاد، ۱۳۶۳ ه.ش)، ۷۰۶.